**باستان شناسی پسااستعماری[[1]](#footnote-2) :کیش پیش و پس از اقتصاد آزاد[[2]](#footnote-3)**

جزیره کیش جزیره‌ای بیضی شکل با محیط ۴۴ کیلومتر می‌باشد و با طولی در حدود ۱۵٫۴۵ کیلومتر و عرضی حدود ۷٫۵ کیلومتر، مساحتی معادل ۹۰ کیلومتر مربع دارد. کیش یک بیرون زدگی مرجانی از خلیج فارس است که ظاهرا در خاک آن گیاه رشد نمی کند و همچنین قابلیت ساخت و ساز هم وجودندارد و خاک مورد نیاز برای مقاصد فوق از داخل فلات ایران تامین میشود.

نام محلی جزیره کیش "قیس" می باشد.بر اساس بررسی های باستان شناسی وجود بقایای استقرارهای متاخر اسلامی در بخش شمالی جزیزه منسوب به شهرحریره و مسجد جامع محرز است. اسناد نوشتاری متاخر به تبادلات تجاری و لنگرانداختن کشتی های تجاری خارجی در جزیره کیش اشاره می کنند. بنابراین ظاهرا در گذشته نیز کیش به عنوان لنگرگاه و مرکز مبادلات دریایی و همچنین صید مروارید و آبزیان حائز اهمیت بوده است. کیش در عصر صفوی مانند بسیاری از جزایر جنوب به اشغال پرتغالی ها درامد و بقایای استحکامات پرتغالی ها در نوار شرقی در نزذیکی حریره قابل مشاهده است. ظاهرا امام قلی خان سردار صفوی کیش را از استعمار پرتقالی ها رهاند. به نظر میرسد لنگرگاه اصلی نیز در جوار حریره یا همان نوار شرقی بوده است که در دوران مدرن تغییر کرده و اکنون تنها اهمیت تفریحی برای گردشگران دارد.

جزیره کیش در حال حاضر به عنوان یک قطب گردشگری دریایی و همچنین منطقه آزاد تجاری(از دهه 60 شمسی) میان ایرانیان و کشورهای همجوار شناخته شده و سالانه گروههای جویای کار زیادی را از داخل فلات ایران و کشورهای خارجی به سوی خود جذب میکند. چهره و سیمای کیش به مثابه یک شهر مدرن چنان دستخوش تغییرات بنیادین شده است که به سختی میتوان تصوری از کیش پیش از تغییرات دوران مدرن داشت. زندگی در کیش پیش از دهه های 50 و 60 هجری چگونه جریان داشته است؟ با نگاهی باستان شناختی، نشانه های مادی و ملموس و همچنین سنتهای فرهنگی زندگی در کیش "پیش از عصر اقتصاد آزاد" بسیار ناچیز است. به نظر میرسد این مساله به هیچ وجه از روی اتفاق یا حاصل روندهای شکل گیری[[3]](#footnote-4) (در مورد محوطه های باستان شناختی) نبوده و خط مشی گزاریهای توسعه ای دهه های اخیر در این امر بسیار حائز اهمیت هستند.

در حال حاضر جزیره کیش از دو بخش استقراری اصلی تشکیل شده است. این دو بخش تقریبا به صورت کامل از هم مجزایند و از طریق یک جاده آسفالت که بصورت یک کمربند دور جزیره می چرخد به هم متصل می شوند. بطورخلاصه این دو بخش شامل ساخت و سازهای مدرن تجاری و مسکونی در نوار ساحلی شرقی و محل کار و استقرار ساکنان بومی جزیره در نوار شمالی است. بخش شرقی روز به روز درحال گسترش است و هر روز پروژه های مسکونی و مراکز تجاری جدیدی کلید می خورد. بخش شمالی شامل خانه هایی به سبک بومی با سقف کوتاه و درها و پنجره های کوچک و باریک است. این بخش شامل دو بازار علیا و دسفلی می باشد که به بازار عربها معروفند. به نظر میرسد این بازارها در عصرپهلوی دوم ایجاد شده اند.

به طور کلی و از منظر چیدمان فضایی کیش شهری سلسله مراتبی است. ورود به جزیره از راه فرودگاهی که تقریبا در مرکز بیابانی و خالی از سکنه قرار گرفته امکانپذیر است سپس وارد نوار شرقی میشویم . در بخش شرقی ابتدا محله اعراب شیعه و سپی محله اعراب اعل سنت قرار گرفته است. بخش شمالی درواقع در انتهای مسیر قراردارد . ساکنان بومی بخش شمالی خود به دو گروه اعراب شیعه و اهل سنت تقسیم میشوند که محله های آنها در مجاورت هم و با اندکی فاصله قرار گرفته اند . مهاجران سفید پوست (اگذبتوان این مفهوم را در اینجا به کار برد) بر این باورند که اعراب شیعه خود را باشرایط روز بیشتر سازگار نمونده و مهمترین نمود آن را تمایل آنها به ساخت و سازهای جدید میدانند. در حالی که اعراب اهل سنت به ساخت و سازهای بومی منطقه کم و بیش وفادارمانده اند. به گفته مهاجران جدید الورود ساکنان اصلی منطقه را اعراب شیعه تشکیل میدهند و اعراب اهل سنت در پی نا ارامیها و درگیریهای داخلی در آغاز عصر جید به منطقه تبعید شده اند. قلمرو اقتصاد ی اصلی اعراب بومی بازار عربها و بازار ماهی است که آنهم به زوردی تحت الشعاغ مراکز خرید تازه تاسیس در شمال جزیره مانند مرکز خرید و رستوان پدیده قرار می گیرد. ساخت و سازهای مدرن در حالی به سمت نوار شمالی پیشروی می کنند که سهم فضاهای تجاری اختصاص داده شده به بومیان در نوار شرقی که اکنون به منزله مرکز شهر عمل میکند تقریبا تزدیک به صفر است..

طبق آمارهای غیر رسمی کیش دارای نفر5000 جمعیت بومی و 25000 جمعیت مهاجر(عمودتا از داخل فلات) است که به آنها "کیش وند" اطلاق می شود(آمارهای رسمی جمعیت کیش را بالغ بر 24000 نفر اعلام می کنند). این نسبت شاید به اندازه نسبت جمعیت بومی به غیر بومی پایتخت نامتعادل و نامتوازن است.جمعیت مهاجر که اغلب سودا پیشه اند نوع نگاه خود بویژه تمایل به اقتصاد آزاد ،مصرف گرایی و حتی شکلهایی از سرمایه داری را به پاردایم غالب در کیش تبدیل کرده اند. به زعم سفیر پوستان مهاجر بومیان منطقه بویژه اعراب اهل سنت "کمتر متمدن شده اند" . گردشگر خارجی که وارد کیش می شود به ندرت میتواند بومیان و کلا رنگین پوستان را در خیابانهای مدرن کیش مشاهده کند . در کلیت متوان گفت که شکلهای ظریفی از به حاشیه راندن بومی ها و بهره برداری استعماری از رنگین پوستان(اعم از بومی و مهاجر) در کیش قابل مشاهده است. جمعیت مهاجر اهالی کیش را فاقد صنایع دستی و آداب و رسوم خاص میدانند.حتی اثری از سنت موسیقایی بومی نیز که در کلیت در جنوب ایران بسیار حائز اهیمت است در کیش مشاهده نشد. فستیوالها و مراسم و جشنهایی که غالبا به صورت جنگهای شبانه در کیش برگزار می شود عموما به تبلیغ مصرف گرایی و رواج موسیقی پاپ مبتذلی کمک می کند که شاید بتوان اذعان نمود سالانه میلیاردها دلار به سرمایه گذارن غیر بومی عایدی می رساند. میتوان تصور نمود که درصد مشارکت بومیان در مشاعل اداری و دولتی جزیره نیز بسیار ناچیز است.

در کلیت میتوان اذعان نمود که شکلی تلویحی از نابرابری اجتماعی و ناکامی در کسب مشاغل رده بالا(به عنوان مثال مالکیت واحدهای تجاری جدید التاسیس) در بین بومیان منطقه و رنگین پوستان مهاجر در بخش مدرن جزیره مشهود است. در یک الگوی سلسله مراتبی رنگین پوستان عموما مشاعل خدماتی رده پایین مانند رفتگری؛ نظافتچی و در بهترین حالت نگهبان را در مراکز تجاری و تفریحی جدید بر عهده دارند. هرچند بازار عربها و داشتن لنج و صید آبزیان به صورت سنتی در حیطه این گروه باقی مانده است اما نبرد برای خقظ قلمرو و وابستگی به زمین و دریا که بخشی از هویت بومیان جزیزه را تشکیل می دهد روز به روز تشدید می شود. در شرایطی که ساخت و سازهای مدرن هر روز قلمرو آنها را کوچکتر میکنند . دلخراش ترین نمود این استعمار رنگین پوستانی با چشمهای محزون است که به عنوان نظافتچی در مراکز خرید بدن رخوتناک خود را به این سو و آن سو می کشند.

توسعه در بسیاری از کشورهای آسیایی و آفریقایی به دغدغه اصلی در سیاستگزاری ها تبدیل شده است. متاسفانه دریافت بیشتر این کشورها از توسعه کپی برداری از کشورهای اروپای غربی و امریکای شمالی است که بهترین نمود آن را میتوان در سیمای شهرهای مدرن دید. در این میان در مناطقی که دارای ترکیب جمعیتی قومی دینی زبانی و ... ناهمگون با جامعه مادر و به نوعی اقلیت هستند تبعات توسعه مدل غربی بیشتر است. در برنامه ریزیهای توسعه در کشورهای در حال توسعه معمولا هیج شکلی از گرداوری اطلاعات بومی و یا در موارد مهم برگزاری همه پرسی از ساکنان و شهروندان معنی ندارد. در حالی که در همان جهان غرب احترام به حقوق بومیان در دهه های اخیر به طور جدی در دستور کار قرار گرفته است. کیش علی الظاهر در مسیر رشد و توسعه است. سهم بومیان در این توسعه چقدر است؟ اصلا برداشت بومیان از توسعه چیست؟ توسعه در کیش بیشتر به انزوای بومیان منجر شده است و از آن مهم تر کیش را از حالت یک استقرار عادی که جوابگوی اقتضائات زندگی روزانه باشد به سمت یک "دیزنی لند" سوق می دهد.

در بیشتر شاخه های علوم انسانی که به مطالعه جوامع انسانی می پردازند از دهه 80 میلادی به این سو شاخه های نوینی شکل گرفته اند که با نگاهی متعهد به دنبال بهبود شرایط زندگی گروههای انسانی هستند. برخی از این شاخه ها به طور مشخص برای بررسی وضعیت ساکنان بومی مناطق مستعمره و گروههای به حاشیه رانده شده و اقلیتها طراحی شده اند. شرایط فعلی کیش با رویکردهای باستان شناسی و انسان شناسی پسا استعماری[[4]](#footnote-5) و بومی محور[[5]](#footnote-6) قابل مطالعه و بررسی است.

1. Post-colonial Archaeology [↑](#footnote-ref-2)
2. این یادداشت یک ارزیابی دقیق با استفاده از ابزارهای آماری رسمی نیست و حاصل مشاهدات نگارنده و گردآوری محدود اطلاعات در محل است. [↑](#footnote-ref-3)
3. -formation process [↑](#footnote-ref-4)
4. -post colonial archaeology [↑](#footnote-ref-5)
5. -indigenous archaeology [↑](#footnote-ref-6)